

# فضای مجازی و نابرابری‌های اجتماعی

راضیه ذاکری هامانه<sup>۱</sup>، محمد دستوار<sup>۲</sup>

<sup>۱</sup> دانشجوی دکتری جامعه‌شناسی، دانشکده علوم اجتماعی دانشگاه الزهراء(س)، تهران  
Rzhamane@gmail.com

<sup>۲</sup> کارشناسی ارشد مدیریت فناوری اطلاعات، دانشگاه آزاد اسلامی واحد الکترونیک، تهران  
Mohamad.dastvar@gmail.com

شکاف دیجیتالی مرز جدیدی در شکل‌دهی به نابرابری‌های اجتماعی است و متأثر از آخرین پیشرفت‌های تکنولوژی است. نابرابری اجتماعی از دهه ۱۹۹۰ در کشورهای توسعه‌یافته و در حال توسعه در حال افزایش است. ناگهان اینترنت به شکلی سرسام‌آور رشد کرد؛ اگرچه انتشار اینترنت بسیار نامتناسب و نابرابر است اما همان‌طور که ویلیام گیبسون، نویسنده داستان‌های تخیلی، نوشت: "در حال حاضر، آینده همینجاست فقط نمی‌توان آن را به‌طور مساوی توزیع کرد" (چن و ولمن، ۲۰۰۵).

## چکیده

دنیای غیرمادی و انتزاعی فضای مجازی، دنیایی رها از ملزومات زمانی و مکانی دنیای واقعی است. اینترنت به‌عنوان ابربازار شکل‌دهی و گسترش این فضا، فراهم‌آورنده فرصت‌های مساوی برای مشارکت اجتماعی مدنی و تقویت سرمایه اجتماعی فرهنگی و انسانی کاربران بوده و در مقابل شکاف و مرزبندی‌های جدید دیجیتالی را به همراه می‌آورد.

مقاله حاضر با هدف مطالعه تأثیرات متقابل فضای مجازی و نابرابری‌های اجتماعی بر یکدیگر، درصدد است نقش شکاف‌های اجتماعی بر قابلیت دسترسی و استفاده از فضای سایبر را در سطوح جهانی، ملی و فردی مبتنی بر متعین‌های سن، جنسیت، طبقه، نژاد و قومیت، زبان، پایگاه اجتماعی اقتصادی و محل سکونت بررسی نموده و در مقابل ۳ رویکرد برابری، تقویت و انتقال را در زمینه اثر فضای مجازی بر نابرابری اجتماعی تشریح نماید.

دسترسی تکنولوژیکی، دسترسی اجتماعی، سواد دیجیتالی و کاربرد اجتماعی در قالب چارچوب تحلیلی چن و ولمن از شکاف دیجیتالی ارائه می‌شود. حاصل آن که نقش فضای مجازی در واریانس نابرابری‌های اجتماعی متأثر از بافت فرهنگی اجتماعی و نهادی هر جامعه است.

## کلمات کلیدی

شکاف دیجیتالی، اینترنت، طبقه، جنسیت، نژاد، فضای سایبر، نابرابری اجتماعی.

بین غنی و فقیر (دارندگان اطلاعات و ندارندگان آن، افراد با امکان قابلیت اتصال بهتر در مقابل افرادی با امکان اتصال ضعیف‌تر) را بیشتر کند و رویکرد انتقال که جامع‌تر و مبتنی بر پایه‌های تجربی مستحکم‌تری است بر بافت فرهنگی اجتماعی و نهادی جامعه تاکید دارد. در نهایت با بررسی ادبیاتی در خصوص چگونگی محدود کردن شکاف اجتماعی در جوامع محروم، سیاست‌های مخابراتی دولتی، زیرساخت‌ها، دسترسی به اینترنت در مکان‌های عمومی، تحصیلات و آموزش و گسترش سواد دیجیتالی به‌عنوان پیش نیازهای انتقال به یک جامعه شبکه‌ای دانش محور توأم با کاهش شکاف‌های اجتماعی و دیجیتالی معرفی می‌گردد.

## ۲- نقش نابرابری اجتماعی در قابلیت دسترسی و استفاده از فضای مجازی

شکاف دیجیتالی پدیده‌ی اجتماعی چند بعدی و چند سطحی است که متأثر از نابرابری‌های اجتماعی در سطوح فردی، محلی، ملی و جهانی است. آمارهای اتحادیه بین المللی مخابرات<sup>۱</sup> نشان می‌دهد که ثبت نام در مدرسه، دستیابی به آموزش و پرورش، خوانندگان روزنامه و تنوع زبانی شاخص‌های مهم جوامع دانش بنیان برای دسترسی به اینترنت و استفاده از آن هستند [7]. شکاف دیجیتالی هم‌چنین بر اساس ویژگی‌های متفاوت فردی شامل سن، جنسیت، طبقه، نژاد، قومیت و زبان، پایگاه اجتماعی اقتصادی و محل سکونت متفاوت است.

**شکاف دیجیتالی جهانی؛** شکاف دیجیتالی جهانی در سطح کلان، به شکاف اطلاعاتی بین کشورهای پیشرفته و در حال توسعه اشاره دارد. بیشتر شدن فاصله میان کشورهای دارای تکنولوژی اطلاعات و کشورهای در حال توسعه، موجب به حاشیه رانده شدن کشورهای در حال توسعه و سیطره‌ی کشورهای توسعه یافته بر فضای مجازی خواهد شد. طبیعتاً انتظار می‌رود فضای مجازی مبتنی بر منافع و خواست‌های کشورهای پیشرفته باشد و اشکال نابرابری در جهان واقعی در آن بازتولید شود [2].

یکی از بارزترین جنبه‌های شکاف دیجیتالی، تفاوت در دسترسی به اینترنت بین کشورهای پیشرفته در مرکز سیستم جهانی و کشورهای فقیر در حاشیه می‌باشد که فاقد زیرساخت‌ها، منابع و مهارت‌های لازم برای ورود به سیستم در عصر اطلاعات هستند [8]. آمار سازمان‌های بین المللی شکاف دیجیتالی بین کشورهای توسعه یافته و در حال توسعه را در خصوص دسترسی و استفاده از اینترنت نشان می‌دهد. شکاف آشکار بین آنهایی که در مراکز عمده شهری با آموزش و پرورش بهتر، درآمد بالاتر و امکانات بیشتر جهت اتصال به جهان توسعه یافته از نظر فرهنگی و اقتصادی دارند و آنهایی که همانند دهقانان فقیر در نواحی حاشیه‌ای زندگی می‌کنند وجود دارد [6].

**شکاف دیجیتالی ملی؛** نابرابری در دسترسی به اینترنت از همان دهه اول گسترش اینترنت ایجاد شد؛ کاربران به‌طور ناموزونی مرفه‌تر، تحصیل کرده‌تر، مرد، سفید پوست و از شمال آمریکا بوده و تعداد کمی متعلق به سایر کشورهای توسعه یافته بودند. نابرابری در دسترسی به اینترنت صرفاً مشروط به توانایی یا منابع افراد نیست. ولمن و همکارانش اصطلاح شکاف دیجیتالی مضاعف را برای توصیف شکاف در دسترسی به اینترنت و استفاده از آن ابداع کرده اند که بوسیله هر دو عامل موقعیت جغرافیایی و پایگاه اجتماعی اقتصادی فرد منفک شده است [9].

واژه «فضای سایبر» را اولین بار ویلیام گیسون<sup>۱</sup> در سال ۱۹۸۴ در رمان «نیورمنسرا» مطرح کرد. این نویسنده این فضا را به عنوان موطن داده‌ها و اطلاعات موجود در یک آینده دور تاریک توصیف می‌کند [1]. فضای سایبر، جهان موازی دنیای واقعی و فیزیکی است که در آن رابطه انسان با کامپیوتر، پدیده نوینی را شکل داده که با شبیه‌سازی موجودیت‌های محیط فیزیکی، فضای روانی-خیالی غوطه ورساز، امکان تعامل و داد و ستد در همه ابعاد و تعاملات شبکه‌ای شده بین افراد و آفریده‌های معنوی‌شان را ایجاد کرده است [2].

جوامع مختلف تحت‌تاثیر تحولات بسیار عظیم علمی-تکنولوژیک به‌سمت جامعه اطلاعاتی و سپس جامعه سایبری در حال حرکت اند. جامعه سایبری متأثر از فناوری با چالش‌هایی چون نابرابری اجتماعی، هویت‌های جدید، تمایزپذیری و شالوده‌شکنی نهادهایی نظیر دولت، و فرصت‌هایی چون نقش اینترنت و شبکه‌های اجتماعی در پژوهش، خلاقیت، تعامل و همزیستی جهانی، شکل‌گیری هویت سیال و غیره رو به رو شده‌اند [3]. شبکه‌های اجتماعی صحنه‌ای فراهم می‌آورند که کاربران می‌توانند از هر جنسیت، سن، طبقه اجتماعی، نژاد و قومیتی که باشند، در آن ظاهر شده و نقش دلخواه خود را بازی کنند [4].

اما در مقابل نگاه برابرانگاره تاثیر فضای مجازی و ابزارهای آن بر شکاف‌های اجتماعی، نگاه انتقادی بر بازتولید و تقویت نابرابری‌های اجتماعی با ورود به عصر و جامعه مجازی تاکید دارد. از یک سو، شواهد نشان می‌دهد شکاف دیجیتالی در تقاطع‌های بین المللی و فراملی اجتماعی اقتصادی، تکنولوژیکی و تفاوت‌های زبانی رخ می‌دهد. در سطح جهانی شکاف دیجیتالی وسیعی بین کشورهای در حال توسعه و توسعه یافته وجود دارد [5]. در دولت‌های ملی، اشاعه نابرابر اینترنت در قالب متعین‌های آشنای نابرابری اجتماعی مثل پایگاه اجتماعی اقتصادی، جنسیت، سن، نژاد و موقعیت جغرافیایی ظاهر می‌شود. هزینه‌های بالا، عدم محتوای مناسب و عدم پشتیبانی فنی مانع از استفاده جوامع محروم از مزایای اینترنت می‌شود. از دیگر سو، استفاده اینترنت می‌تواند نابرابری‌های اجتماعی را به شیوه‌های مهمی تحت تاثیر قرار دهد زیرا اینترنت ابزار مهم‌تری برای جستجوی اطلاعات، یافتن شغل و مشارکت در فعالیت‌های مدنی و کارآفرینی شده است.

مقاله حاضر با ترکیب ادبیات مرتبط با اینترنت و نابرابری اجتماعی از اوایل دهه ۱۹۹۰ درصد است تا به ۳ سوال اساسی پاسخ گوید؛ آیا نابرابری‌های اجتماعی با ورود به دنیای مجازی از بین می‌روند یا بازتولید می‌گردند؟ تاثیرات متقابل فضای مجازی و نابرابری‌های اجتماعی چگونه است؟ و سطوح نابرابری اجتماعی در فضای مجازی کدامند؟ در پاسخ به سوالات تحقیق ابتدا اشکال متنوع نابرابری اجتماعی که بطور ناخواسته بر امکان دسترسی و استفاده از فضای سایبر در سه سطح جهانی، ملی و فردی موثر بوده‌اند بررسی و سپس چارچوب تحلیلی چن و ولمن [6] ارائه می‌گردد.

سپس در قسمت تشریح نقش فضای مجازی در نابرابری اجتماعی به بررسی اثر اینترنت روی افراد، جوامع و کشورها در ۳ رویکرد برابری<sup>۲</sup>، تقویت<sup>۳</sup> و انتقال<sup>۴</sup> می‌پردازیم. رویکرد برابری معتقد است اینترنت نابرابری‌های اجتماعی را کاهش داده و برخی از مسائل اجتماعی عام مثل فقر یا بی‌سوادی را بهبود می‌بخشد. رویکرد تقویت بر این ادعاست که اینترنت می‌تواند شکاف موجود

**شکاف دیجیتالی فردی؛** شکاف دیجیتالی اغلب در جهت متعین‌های آشنای نابرابری اجتماعی هم چون طبقه، قومیت، نژاد، زبان، جنسیت و سن و موقعیت جغرافیایی و ... پدید آمد [10,11,12,13]. ناپفر و مورس ماهیت مردسالارانه فرهنگ مجازی را بررسی کردند. در عین حال، کولکو معتقد است که اعضای (که عمدتاً آنگلو- آمریکایی‌اند) جوامع مجازی جدید، ارزش‌هایی (عمدتاً آمریکایی) از فرهنگ بومی خود نیز با خود وارد این جوامع می‌کنند. فریس، مورس و کناپفر نیز معتقدند که فرهنگ جنسی فضای مجازی می‌خواهد زنان را از دنیای مجازی بیرون کند [4].

- سن: در کشورهای پیشرفته و در حال توسعه نرخ نفوذ اینترنت در میان افراد جوان به طور قابل ملاحظه ای بیشتر از افراد مسن است [6].

- پایگاه اجتماعی/اقتصادی: کاربران اینترنت در مقایسه با غیر کاربران از رفاه و تحصیلات بیشتری برخوردارند [14].

- جنسیت: در سراسر جهان مردان بیشتر از زنان به اینترنت دسترسی و از آن استفاده دارند. هم‌چنین در کشورهای کمتر توسعه یافته هنجارهای جنسیتی پدرسالارانه از موانع دسترسی زنان به اینترنت است [15]. خوانش‌های ماتریالیستی از ماتریس جنسیت - تکنولوژی بر فقدان دسترسی زنان به تکنولوژی کامپیوتری و به مهارت ماشینی تاکید و مردانه شدن دایمی فضای سایبر در تعدادی از سطوح را برجسته کرده اند.

- نژاد و قومیت: اثر کالکو و همکاران با عنوان نژاد در فرهنگ سایبر شامل آزمون تجسم نژاد در بازنمایی‌ها و در فضای سایبر-فیلم، تبلیغات، بازی‌های کامپیوتری، مودها و آواتار استفاده از تکنولوژی سایبر برای ساختن فضایی که در آن جا "هویت قومی و نژادی مورد سنجش قرار می‌گیرند، مورد بررسی قرار می‌گیرند و تقویت می‌شوند" [16] و نیز مسائل زبان در تعامل آنلاین و دلالت‌های مفاهیمی از قبیل سایبرگ برای صورت بندی "قومیت‌های سایبر" است. چنانکه پاستر [17] می‌نویسد: "استفاده غالب از زبان انگلیسی در اینترنت و نیز این حقیقت که آدرس‌های ایمیل در آمریکا به تنهایی نیاز به کد کشور ندارند بیانگر بسط قدرت آمریکاست. اینترنت، کاربران آمریکایی را به صورت هنجار درمی‌آورد."

دیکسون (1997) در بررسی دسترسی به تکنولوژی در میان گروه‌های قومی خاص، با انتقاد از مفهوم "خونسردی تکنولوژیک" که در مصرف گرای سیاهان آمریکا ظاهر می‌شود خاطر نشان می‌کند که "ایجاد محدودیت الکترونیکی" در فضای سایبر درست مانند شهرهای آمریکا وجود دارد؛ اینکه تصمیم گرفته می‌شود چه کسی مالک چه چیزی باشد، چه کسی در کجا کار کند، چه کسی خودی و چه کسی غیر خودی است [18].

به گفته بسیاری از منتقدان فضای سایبر غالباً سفید، مردانه و فضایی غربی باقی میماند [19]؛ اگرچه برخی از آن‌ها در فرصت‌های غیرمعمولی که ممکن است امکان رمزگشایی از سیاست نژادی فرهنگ سایبر را فراهم کند تاکید می‌کند.

- طبقه: این پرسش که "آیا به اینترنت متصل هستی؟" می‌تواند نشانگر تفاوت اقتصادی اجتماعی بین افراد در اواخر دهه ۱۹۹۰ میلادی باشد [20]. تحقیقات دانشگاهی در مورد موضوع طبقه در ارتباطات کامپیوتر-مینا تا حد زیادی ماتریالیستی بوده‌اند؛ به دیگر سخن بر روی مسائل نابرابری اطلاعاتی، نظم بخشی مجدد ساختارهای اقتصادی اجتماعی در جامعه اطلاعاتی و مسائل طرد اجتماعی از فرهنگ سایبر تمرکز کرده بودند. ائوریجی و گراهام<sup>۲</sup> (۱۹۹۸) یک گونه شناسی<sup>۸</sup> مفید، روشن و بازنمایانه از آن چه که آن‌ها "معماری

اجتماعی فضای سایبر" می‌نامند ارائه کرده اند. آن‌ها سه گروه کلیدی را شناسایی می‌کنند:

۱. "کاربران اطلاعاتی"<sup>۹</sup>: یک گروه برگزیده از کارکنان خدماتی فراملی، که از مهارت و دانش برای دسترسی به موقعیت‌های تسلط در اقتصاد دیجیتالی برخوردارند (نخبگان دیجیتالی).
۲. "استفاده‌کنندگان اطلاعاتی"<sup>۱۰</sup>: کارکنانی که تحرک و تمکن مالی دارند که اتصال اصلی آن‌ها با اقتصاد دیجیتالی همانند مصرف‌کنندگان تله ماتیک خانگی<sup>۱۱</sup> است.

۳. گروه "آفلاین"<sup>۱۲</sup>: گروه‌های بیکار یا دارای کار سطح پایین حاشیه ای و "مربوب تکنولوژی"<sup>۱۳</sup> که فاقد منابع مالی برای مشارکت کامل در فرهنگ سایبر هستند (طبقه پایین دیجیتالی).

این نوع از قطبی شدن اجتماعی به طور خاص مرتبط با تغییر تدریجی اینترنت به یک "شاهراه اطلاعاتی" است که از نظر بسیاری از منتقدان باعث کاهش ایده‌آل‌های دموکراتیک و مشارکتی ارتباط بسیار به بسیار<sup>۱۴</sup> به نفع تولید شرکتی و مصرف هدفمند می‌شود [21].

هولدرنس نیز با ترسیم نابرابری جهانی اطلاعاتی، نتیجه گیری می‌کند که "بیشترین و آشکارترین شکاف‌های شمارش پذیر در فضای سایبر، شکاف‌هایی‌اند که بر این امر که فرد در کجا زندگی می‌کند و چه مقدار پول دارد مبتنی هستند" [22].

نتیجه تحلیل فرانک وبستر و رایبیز (1998) نشان می‌دهد که اعضای طبقه شرکت فراملی هنوز از همان قدرت اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی برخوردارند که در گذشته مختص نخبگان تجاری قبل از عصر دیجیتال بوده است؛ آن‌ها تنها سرمایه سایبر را نیز به دارایی‌های خود افزوده اند. جدول زیر چارچوب تحلیلی برای دسترسی و استفاده نابرابر از اینترنت درون و در بین جوامع ارائه می‌دهد؛ ۲ محور در این چارچوب وجود دارد دسترسی در مقابل استفاده و تکنولوژیکی در مقابل اجتماعی. مدل چن و ولمن [6] چگونگی تاثیر فاکتورهای اجتماعی و تکنولوژیکی را روی دسترسی و استفاده از اینترنت نشان می‌دهد:

جدول ۱. چارچوب منسجم شکاف دیجیتالی

استفاده	دسترسی
سواد دیجیتالی	دسترسی به فن آوری
مهارت‌های فن آوری مهارت‌های شناختی و اجتماعی	زیرساخت فناوری اطلاعات و ارتباطات سخت‌افزار، نرم‌افزار، پهنای باند
کاربرد اجتماعی	دسترسی اجتماعی
جستجوی اطلاعات بسیج منابع جنبش اجتماعی مشارکت مدنی شمول اجتماعی	قدرت خرید سطح آگاهی زبان محتوا/قابلیت استفاده محل سکونت

Reference: Wenhong Chen & Barry Wellman, 2005

توضیح آن که/اولاً، شکاف دیجیتالی مبتنی بر یک سوالی دو وجهی بله/ خیر مرتبط با دسترسی فیزیکی به اینترنت نیست چنانکه وارسر<sup>۱۴</sup> [23] استدلال می‌کند "شکاف دیجیتالی تنها بوسیله دسترسی فیزیکی به کامپیوترها و اتصال به آن مشخص نمی‌شود بلکه دسترسی به منابع اضافی که به مردم اجازه می‌دهد تا از تکنولوژی خوب استفاده کنند نیز مطرح است."

دوماً شکاف دیجیتالی به موازات فاکتورهای تکنولوژیکی از فاکتورهای اجتماعی نیز شکل می‌گیرد؛ راه‌حل‌های فن آوری، شکاف را محو نمی‌کند مگر

اینکه بسترهای اجتماعی از این که چرا مردم آنلاین نیستند را به حساب آوریم. بر این اساس، چن و ولمن، شکاف دیجیتالی را از ۴ دیدگاه تجزیه و تحلیل می کنند: دسترسی به فن آوری، استفاده از فن آوری (سواد دیجیتالی)، دسترسی اجتماعی و استفاده (کاربرد) اجتماعی.

دسترسی به فن آوری؛ مردم اغلب برای دسترسی به کامپیوترها و اینترنت در سطوح متفاوت، ترکیبی از فن آوری‌ها مثل سخت افزار، نرم افزار و پهنای باند را استفاده می کنند [24]. کیفیت متنوع دسترسی به اینترنت می تواند بهره‌وری، حجم و تنوع استفاده از اینترنت را تحت تاثیر قرار دهد.

سواد دیجیتالی (کاربرد فن آوری)؛ دسترسی فیزیکی فقط آغاز راه است؛ مهارت‌های کاربران اثرات عمیقی بر آن‌ها می تواند از اینترنت بدست آورند دارد. داشتن دسترسی به اینترنت و داشتن توانایی در استفاده از اینترنت به طور موثرتری دوجنبه متمایز شکاف دیجیتالی هستند. تحقیقات نشان می دهد که سن و تجربه به همراه فن آوری به سطح مهارت‌های اینترنتی مرتبط هستند [25].

دسترسی اجتماعی؛ عوامل اقتصادی، سازمانی و فرهنگی بر دسترسی برابر به اینترنت موثر هستند. درآمد مهم ترین عامل است. تحقیقات نشان می دهد که موانع دسترسی به اینترنت اغلب با فقدان آگاهی و علاقه شروع می شود [26]. افراد مسن، زنان و غیرسفیدپوستان در مقایسه با جوانان، مردان و سفیدپوستان نسبت به اینترنت کمتر آگاه بوده اند [27]. عوامل اجتماعی در یک سطح عمیق تر، مرتبط به پذیرش فن آوری های جدید هستند؛ کاربران اینترنت در مقایسه با غیر کاربران دارای ارتباطات اجتماعی بیشتر، حس اثربخشی قوی تر (کنترل ادراکی روی زندگی شان) و مصرف رسانه ای بیشتر (از جمله روزنامه ها، تلویزیون و استفاده از تلفن همراه و ...) هستند [9].

کاربرد اجتماعی؛ شکاف دیجیتالی بیشتر یک شکاف اجتماعی است تا شکاف تکنولوژیکی [13]. داشتن دسترسی به اینترنت و داشتن توانایی استفاده از آن بطور موثر دو موضوع متفاوتند. مسئله این نیست که آیا مردم تاکنون به صفحه یک مانیتور نگریستند یا دست خود را روی صفحه کلید قرار دادند، بلکه مساله اینجاست که آن‌ها تا چه حد به طور منظم از اینترنت استفاده دارند، برای چه اهدافی و تحت چه شرایطی و اینکه چگونه این استفاده بر شمول و همبستگی اجتماعی تاثیر می گذارد.

روش های ارتباط آنلاین متأثر از سبک های جنسیتی است [28]. در مقایسه با مردان، زنان علیرغم صرف زمان کمتر با اینترنت به دلیل نقش های جنسیتی و مسئولیت های خانوادگی شان، بیشتر به آشنایان و دوستان و خانواده خود ایمیل می زنند و اطلاعات مرتبط با سلامتی را بیشتر جستجو می کنند.

### ۳- نقش فضای مجازی در نابرابری اجتماعی

روابط بین تکنولوژی و نابرابری اجتماعی از همان ابتدای تئوری نظم، توجه جامعه شناسان را به خود جلب کرده است. در تئوری های مارکسی، توسعه فن آوری بعنوان انگیزه ای برای تغییر اجتماعی در نظر گرفته شده است؛ به این دلیل شیوه تولید اهمیت اساسی در شکل گیری نابرابری طبقاتی دارد [29,30].

روابط بین شکاف دیجیتالی و نابرابری اجتماعی پیچیده است از یک سو، نابرابری های اجتماعی موجود بر دسترسی و استفاده از اینترنت اثر می گذارد. بنابراین شکاف دیجیتالی جهانی جلوه ای از نابرابری های مرکز-پیرامون تعبیه

شده در نظام جهانی است [31]. از سوی دیگر تحقیقات نشان می دهد که شکاف دیجیتالی می تواند بازتولید نابرابری اجتماعی را تحت تاثیر قرار دهد.

اینترنت چه نقشی در توسعه بیشتر نابرابری های اجتماعی بازی می کند؟ در پاسخ، ۳ رویکرد (سناریو) به تاثیر اینترنت روی نابرابری اجتماعی بیان می گردد: برابری و تقویت و تحول.

#### رویکرد برابری؛ اینترنت و کاهش نابرابری های اجتماعی

"رسانه نوین از نظر ساختار، مساوات طلب است. جهت گیری رسانه نوین به سمت عمل است و نه تعمق و تفکر [32]. خوش بینان، اینترنت و دیگر فن آوری های اطلاعات و ارتباطات را به عنوان محرک اصلی پیشرفت اجتماعی مورد ستایش قرار داده اند [33].

از نظر خوش بینان، اینترنت به طور چشمگیری نابرابری اجتماعی را کاهش می دهد؛ زیرا دسترسی به اینترنت کلید رشد اقتصادی، توسعه اجتماعی و تنوع فرهنگی و توانمند سازی محرومان است. اولاً، انقلاب اطلاعات به کشورهای فقیر اجازه می دهد که از طریق اتخاذ آخرین فن آوری های پیشرفته در کشورهای ثروتمند به سمت یک آینده دیجیتال حرکت کنند. دوم، از اینترنت بعنوان یک تکنولوژی باز که به دموکراسی و دولت موثر منجر می شود تجلیل می شود [34]. سوم، اینترنت می تواند اعضای گروه های محروم سنتی را توانمند سازد. آنها می توانند هنگام وارد شدن به اینترنت، برای رشد اقتصادی و توسعه اجتماعی به منابعی که قبلا دست نیافتنی بود دسترسی یابند [35].

#### رویکرد تقویت؛ اینترنت و افزایش نابرابری های اجتماعی

در مقابل، بدبینان مدعی اند که اینترنت نابرابری های اجتماعی را بازتولید یا حتی تقویت می کند. مثلاً کاستلز روابط اینترنت و نابرابری را در بسته یک سیستم سرمایه داری جهانی، غیرمنظم و دینامیک تحلیل می کند [36]. اولاً، کشورها، جوامع یا افراد محروم استطاعت ناچیزی در حرکت به سمت عصر شبکه را دارند. اکثریت ساکنان سیاره زمین به دلیل نداشتن منابع تکنولوژیکی و اجتماعی لازم برای مشارکت در اقتصاد دانش بنیان در شکاف دیجیتالی ناموزون باقی خواهند ماند. زیرساخت های مخابراتی غالباً قابلیت کمتر و کیفیت پایین تر و اما هزینه بالاتری در کشورهای در حال توسعه دارد [37]. علاوه بر آن، زیرساخت های اجتماعی هم نیاز است. اعتماد، بخصوص اعتماد در سیستم اجتماعی (به عنوان نمونه اعتماد شهروندان به بوروکراسی اداری، حاکمیت قانون، عدم وجود فساد، حقوق مدنی و ...) عامل قدرتمندی است که توزیع فناوری اطلاعات و ارتباطات را متفاوت خواهد کرد [38]. بهر حال در کشورهای درگیر با فقر، جنگ یا فساد، ایجاد اعتماد مدنی ممکن است حتی سخت تر از ایجاد زیرساخت های فیزیکی باشد.

دوم، محرک های اولیه غالباً مزایای رقابتی را ایجاد می کنند و اقتصاد مبتنی بر اینترنت نابرابر را تقویت می کنند [39]. اگر نابرابری های موجود، مردم کشورهای در حال توسعه را از اینترنت منع کند، این نابرابری ها به موازات مهمتر و محوری تر شدن نقش اینترنت در کسب اطلاعات مرتبط با اشتغال، سلامت، آموزش و سیاست افزایش می یابد.

سوم، استفاده متناوب از اینترنت می تواند نابرابری در دسترسی به شبکه اجتماعی و سرمایه اجتماعی را افزایش دهد؛ زیرا بعید است که افراد و جوامع محروم روی وب که فراهم آورنده دسترسی به منابع و اطلاعات است سرمایه گذاری کنند [40].

اگرچه خوش بینان دسترسی به اینترنت را به عنوان بخشی از راه حل مسائل اجتماعی گسترده مثل فقر، سلامت یا بی سوادی در نظر می

گیرند[41]. اما اینترنت اکسپری نیست که بتواند مسائل اجتماعی را درمان کند. اینترنت برای افراد فعال و آنلاین فعالیت‌ها و مزایای بیشتر به ارمغان می‌آورد و افراد غیرعلاقمند و ناتوان از استفاده و دسترسی را نادیده می‌گیرد [42,43].

#### رویکرد انتقال؛ اینترنت و تغییر زمین بازی

هر دو سناریوی برابری و تقویت تمایل به استخراج استدلال خود از تئوری‌ها و حکایت‌های با پشتوانه تجربی کم داشتند. به نظر می‌رسد که اینترنت هم نابرابری‌های اجتماعی را افزایش می‌دهد و هم آن را کاهش می‌دهد؛ اینترنت هم توانمند می‌سازد و هم تضعیف می‌کند. ابتلا به جامعه شبکه ای هنوز به رژیم‌های خودکامه اجازه سرکوب می‌دهد[44].

دسترسی و استفاده از اینترنت در اماکن عمومی نیز قابل توجه است. شهرهای فقیر و مناطق روستایی از نظر شکاف دیجیتالی مورد توجه بسیار بوده اند. مطالعاتی در خصوص چگونگی بهبود زندگی افراد و جوامع محروم توسط اینترنت وجود دارد[6]. اگرچه مزایای فن‌آوری‌های اطلاعات، بصورت متعادل توزیع نشده و در میان فقیرترین افراد، کمتر استفاده شده است[45].

هم نگاه منفی بدینان و هم نگاه مثبت خوش بینان یک بعدی است. در سناریوی انتقال به دنبال استدلال بر پایه مفصل‌بندی تعبیرهای اجتماعی فن‌آوری و اثرات اجتماعی آن هستیم. میزان حیات بالقوه یک فن‌آوری جدید مشروط به زمینه‌های اجتماعی و نهادی مکان استفاده از آن است. تاثیرات طبقه، نژاد، جنسیت، سلسله مراتب سازمانی و تنوع شبکه‌ای در فضای مجازی کماکان ادامه دارد[11,27,42,46]. از سوی دیگر سناریوی انتقال اذعان می‌کند اینترنت می‌تواند تقویت‌کننده‌ای باشد که روش بازتولید نابرابری‌های اجتماعی را تغییر دهد. اثر اینترنت وابسته با بافت نهادی و اجتماعی آن است.

[47]. هم‌چنین، اینترنت و سایر فناوری‌های اطلاعات و ارتباطات، اصول قشربندی تعیین شده از سوی منابع اجتماعی را تغییر می‌دهند. دسترسی به دانش، مکمل مالکیت و نیروی کار به عنوان اصول طبقه بندی است[36,48]. یکی از ویژگی‌های در حال ظهور حیات اجتماعی در عصر اطلاعات، ظهور فردگرایی شبکه‌ای است[8]. ارتباطات بواسطه کامپیوتر ارتباطات افراد را تسریع می‌بخشد؛ به افراد اجازه می‌دهد که به آسانی مشارکتشان در شبکه‌های مختلف را تغییر و تطبیق دهند. اینترنت به عنوان یک وسیله ارتباطی کاربران را قادر می‌سازد تا پیوندها و روابط موجودشان را حفظ کنند و پیوندهای جدید با افراد با علائق و منافع مشترک خارج از جهان فیزیکی محدودشان برقرار کنند. بر این اساس، اینترنت تا حد زیادی ساختار و ترکیب شبکه‌های اجتماعی کاربران را بوسیله تحمیل تغییراتی در الگو، قابلیت دسترسی و سرعت شبکه تحت تاثیر قرار می‌دهد.

مهاجرت فراملی نمونه‌ای است از اینکه چگونه اینترنت می‌تواند زندگی روزمره مردم را متحول کند و دینامیسم‌های نابرابری اجتماعی را تغییر دهد. مهاجران غالباً از اینترنت استفاده می‌کنند (وبسایتها، گروه‌های خبری یا خدمات پستی) یا محلی برای تعامل و معاشرت ایجاد می‌کنند[49]. مهاجرین از طریق ترکیب قابلیت فن‌آوری‌های جدید و تجهیز سرمایه اجتماعی خودشان در فعالیت‌های فراملیتی شرکت می‌کنند[50].

دسترسی همزمان به تصویر و صدا در اینترنت به مهاجران اجازه می‌دهد تا وقایعی که در کشورهاشان در جریان است را دنبال کرده و در آن شرکت کنند[51]. از لحاظ اقتصادی، مهاجران راه‌های جایگزین برای مشارکت در

بازار کار پیدا می‌کنند و از نظر اجتماعی، آن‌ها می‌توانند به‌جای این که محدود به یک جامعه شوند زندگی در دو فرهنگ را انتخاب کنند[52].

#### ۴- کاهش شکاف دیجیتالی

در نگاه به رابطه بین اینترنت و نابرابری اجتماعی، بیشتر تحقیقات فرض بر حضور فراگیر اینترنت دارند. برخی بر این باورند که اینترنت ضرورت اساسی برای جوامع فقیر نیست[53]. آن‌ها مدعی‌اند که کامپیوتر و اینترنت تجمعات غیرضرور برای افراد فقیرند زیرا آن‌ها نیاز فوری به غذا، آب تمیز و آموزش ابتدایی دارند[35]. شکاف دیجیتالی در مورد شکاف بین افراد و جوامعی است که منابع لازم برای مشارکت در عصر اطلاعات را دارند در برابر آن‌هایی که ندارند. محو شکاف دیجیتال پیچیده‌تر از ارائه کامپیوتر و دسترسی به اینترنت است؛ مسئله این است که چگونه افراد و گروه‌های محروم را می‌توان برای دستیابی به منابع لازم و حرکت به سمت آینده دیجیتال توانمند ساخت. به زعم چن و ولمن[6]، روش‌های غلبه بر موانع نابرابری‌های اجتماعی موجود و کاستن از شکاف دیجیتالی در جوامع و اجتماعات محروم، عبارتند از:

- سیاست‌های مخابراتی یکی از برجسته‌ترین شاخص‌های توضیح تغییرات اتصال به اینترنت در میان کشورهای OECD است. برای کشورهای جهان سوم با توسعه اجتماعی اقتصادی مشابه، سیاست (طرح‌های اتصال به اینترنت در مدارس دولتی و کتابخانه‌ها) تاحدی نشان می‌دهد که چرا برخی از آن‌ها پیشرفت کرده‌اند درحالی که برخی عقب مانده‌اند[54,55].

- ترویج دسترسی به اینترنت در مکان‌های عمومی، دسترسی و استفاده از اینترنت را برای افرادی که نمی‌توانند هزینه دسترسی به اینترنت را در محل کار و خانه تقبل کنند، بهبود می‌بخشد[56]. اگرچه صرفاً دسترسی به اینترنت در مکان‌های عمومی کافی نیست. مشاوره و آموزش غیررسمی در مراکز جامعه برای پرکردن شکاف مهارت‌ها و توانمند سازی محرومان نیز بسیار مهم است[57].

- تعدد مراکز فن‌آوری اطلاعات و ارتباطات؛ فن‌آوری‌های اطلاعات و ارتباطات دیگری با کارایی‌های مختلف اجتماعی وجود دارد[46]. مثلاً گوشی‌های همراه می‌تواند به وسیله اقشار وسیع‌تری از جامعه (دهقانان روستایی غیرماهر در استفاده از اینترنت) استفاده شود[7].

مسیر تبدیل شکاف دیجیتالی به فرصت‌های دیجیتال راه طولانی و پریچ و خمی است؛ سیاست‌های مخابراتی دولتی، زیرساخت‌های موجود و هم‌چنین آموزش و پرورش و آموزش فن‌آوری به‌ویژه گسترش سواد دیجیتالی، به‌طور گسترده‌ای بعنوان پیش نیازهایی برای انتقال به جامعه شبکه‌ای دانش محور شناخته شده‌اند.

#### ۵- نتیجه گیری

یکی از مزایای فضای مجازی، فروکاست شکاف‌های طبقاتی و وارد کردن افراد در محیطی یک‌دست است که مناسبات عمودی طی آن به مناسبات افقی و هم‌سطح تبدیل می‌شود. با این حال، ادبیات موجود در حوزه نظریه انتقادی، گویای آن است که در فضای مجازی، نظم بخشی مجددی از ساختارهای اقتصادی-اجتماعی، نابرابری اطلاعاتی و طرد اجتماعی رخ می‌دهد. در این شکاف طبقاتی، گروهی از افراد که به واسطه شکاف اقتصادی اولیه، به علت نبود سواد رایانه ای (که خود در بسیاری مواقع ریشه در

- Digital Divide*. Washington: Pew Internet and American Life Project.
- [10] Kolko, B., Nakamura, L. and Rodman, G. (Eds) (2000) 'Race in cyberspace: an introduction', in B. Kolko, L. Nakamura and G. Rodman (Eds) *Race in cyberspace*, London: Routledge.
- [11] DiMaggio, P., & Hargittai, E. (2001). *From the 'Digital Divide' to 'Digital Inequality': Studying Internet Use as Penetration Increases*. Princeton University Center for Arts and Cultural Policy Studies, Working Paper Series Number 15, Princeton NJ.
- [12] Wellman & C. Haythornthwaite (Eds.) (2002). *The Internet in Everyday Life*, Oxford: Blackwell: 291-324
- [13] Whitaker, R. (1999). *The End of Privacy*. New York: The New Press
- [14] OECD (Organization for Economic Co-operation and Development). (2002). *Measuring the Information Economy*. Paris: OECD Publications.
- [15] Gadio, C. M. (2001). *Exploring the Gender Impact of the World Links Program: Summary of the findings of an independent study conducted in four African Countries*. World Links: eLearning for Development. www.world-links.org
- [16] Kolko, B. and Rodman, G. (Eds) (2002) 'Race in cyberspace: an introduction', in B. Kolko, L. Nakamura and G. Rodman (Eds) *Race in cyberspace*, London: Routledge.
- [17] Poster, M. (1995). *The Second Media Age*, Cambridge: Polity Press.
- [18] Dixon, B. (1997) 'Toting technology: taking it to the streets', in L. Gordon (ed). *Existence in Black: an anthology of black existential philosophy*, London: Routledge.
- [19] Dodge, M. and Kitchin, R. (2001) *Mapping Cyberspace*, London: Routledge.
- [20] Haywood, T. (1998) *Global networks and the myth of equality: trickle down or trickle away?*, in B. Loader (Ed) *Cyberspace Divide: equality, agency and policy in the information society*, London: Routledge.
- [21] Aurigi, A. and Graham, S. (1998). 'The crisis in the urban public realm', London: Routledge.
- [22] Holderness, M. (1998) 'Who are the world's information-poor?', London: Routledge.
- [23] Warschauer, M. (2002). *Reconceptualizing the Digital Divide*. First Monday: Peer-Reviewed Journal on the Internet, 7(7), [http://www.firstmonday.dk/issues/issue7\\_7/warschauer/](http://www.firstmonday.dk/issues/issue7_7/warschauer/)
- [24] Wolcott, P., Press, L., McHenry, W., Goodman, S., & Foster, W. (2001). *A Framework for Accessing the Global Diffusion of the Internet*. Association for Information Systems, 2, 1-50.
- [25] Hargittai, E. (2002). *Second-Level Digital Divide: Differences in People's Online Skills*. First Monday, 7(4), [http://firstmonday.org/issues/issue7\\_4/hargittai/indexhtml](http://firstmonday.org/issues/issue7_4/hargittai/indexhtml)
- [26] Reddick, A., & Boucher, C. (2001). *Rethinking the Information Highway*: Ekos Research Associates.
- [27] Katz, J. E., & Rice, R. E. (2002). *Social Consequences of Internet Use: Access, Involvement, and Interaction*. Cambridge, MA: MIT Press.
- [28] Boneva, B., Kraut, R., & Frohlich, D. (2001). *Using E-Mail for Personal Relationships: The Difference Gender Makes*. *American Behavioral Scientist*, 45(3), 530-549.
- [29] Haraway, D. (1995) 'cyborgs and symbionts: living together in the new world order', in C. Gray (ed) *the cyborg Handbook*, London: Routledge.
- [30] Erickson, B. H. (1997). *Social Networks and History: A Review Essay*. *Historical Methods*, 30(3), 149-157.

محرومیت اقتصادی دارد) و با عدم امکان پرداخت هزینه‌های اتصال، از ورود به این فضا محرومند، طرد می‌شوند زیرا بسیاری از فرصت‌های اجتماعی که به واسطه فضای سایبر در دسترس قرار گرفته، خود به خود از دایره نفوذ و انتخاب آن‌ها خارج می‌شود. هم‌چنین، همین اتفاق درباره شکاف اطلاعاتی نیز می‌افتد. در چنین وضعیتی ما غنی و فقیر اطلاعاتی خواهیم داشت که در واقع روی دیگر سکه غنی و فقیر اقتصادی است؛ زیرا غنی اقتصادی و اطلاعاتی به طور هم افزایانه، یکدیگر را تقویت می‌کنند و در سوی دیگر نیز، فقر اقتصادی و اطلاعاتی، به طور هم افزایانه ولی در جهت منفی، یکدیگر را هر چه بیشتر تشدید می‌کنند. واقعیت این است که فضای مجازی بر اساس منش طبقه متوسط شکل گرفته است. چنین شکافی که سه طبقه نخبگان سایبری، کاربران دیجیتال، و گروه آفلاین را پدید آورده، عموماً دارای چنینی از سوی نخبگان و کاپیتالیست‌های سایبری است که به دنیای مصرف مجازی گروه کاربرانی که در دنیای واقعی نیز طبقه متوسط خریدکنندگان تقریباً هر روزه از فروشگاه‌های بزرگ هستند، پاسخ گوید [58].

بهرحال، روابط بین شکاف دیجیتالی و نابرابری اجتماعی پیچیده است؛ از یک طرف نابرابری‌های اجتماعی موجود به‌طور قابل توجهی، دسترسی و استفاده از اینترنت را تحت‌تاثیر قرار می‌دهد، از سوی دیگر شکاف دیجیتالی، بازتولید نابرابری اجتماعی را درون و در بین کشورها تحت‌تاثیر قرار می‌دهد.

## مراجع

- [1] جان پرور، محسن و طهمورث حیدری موصلو (۱۳۹۱). "آسیب شناسی فضای سایبر بر امنیت اجتماعی"، *فصلنامه نظم و امنیت انتظامی*، ۳(۴): ۱۴۱-۱۷۲.
- [2] ابراهیمی، سید یاسین (۱۳۹۲). "اخلاق فضای مجازی (۱): ابعاد و زمینه‌های اخلاق فضای مجازی"، *پایگاه تحلیلی تبیینی برهان*: <http://borhan.ir/FullStory/News/?Id=5860/NSite>
- [3] خانیک، هادی و محمود بابایی (۱۳۹۱). "تاثیر ساز و کارهای ارتباطی اینترنت بر الگوهای تعامل کنشگران فضای سایبر ایران"، *فصلنامه علمی پژوهشی علوم اجتماعی*، شماره ۵۶: ۱۱۵-۷۳.
- [4] معمار، ثریا؛ صمد عدلی پور و فائزه خاکسار (۱۳۹۱). "شبکه‌های اجتماعی مجازی و بحران هویت (با تأکید بر بحران هویتی ایران)"، *مطالعات و تحقیقات اجتماعی در ایران*، دوره ۱، شماره ۴: ۱۵۵-۱۷۶.
- [5] میسفادین، لی بی (۱۳۸۶). "فرهنگ فضای مجازی: باید‌ها و نبایدها در فرهنگ اینترنتی" (ترجمه کامبیز پارتازیان)، *روزنامه جام جم*، شنبه ۱ اردیبهشت ۱۳۸۶، سال هفتم، شماره ۱۹۷۸، صفحه ۹. <http://www.iritn.com/?action=show&type=news&id=11142>
- [6] International Telecommunication Union. (2003a). *Final Report DRAFT*. Geneva: World Telecommunication/ICT Indicators Meeting.
- [7] Chen, W. & Wellman, B. (2005). 'Minding the Cyber-Gap; The Internet and Social Inequality', Chapter prepared for Blackwell Companion to Social Inequalities, Edited by Mary Romero and Eric Margolis, Version 17.
- [8] Chen, W., Boase, J., & Wellman, B. (2002). "The Global Villagers: Comparing Internet Users and Uses Around the World". In B. Wellman & C. Haythornthwaite (Eds.), *The Internet in Everyday Life*: 74-113. Oxford: Blackwell.
- [9] Lenhart, A., Horrigan, J., Rainie, L., Allen, K., Boyce, A., Madden, M., & O'Grady, E. (2003). *The Ever-Shifting Internet Population: A New Look at Internet Access and the*

- [53] Irving, L. (2001, June 30). Michael Powell's 'Mercedes Divide'. Washington Post, p.A30.
- [54] Wilson III, E. (2000). *Closing the digital divide: An initial review*. Internet policy Institute. Available online at: <http://www.Internetpolicy.org/briefing/ErnestWilson0700.html>
- [55] Fox, R. (2001). *China Web Growth*. Communications of the ACM, 44(10), 9-10.
- [56] Boase, J., Chen, W., Wellman, B., & Prijatelj, M. (2003). *Is There A Place in Cyberspace: The Uses and Users of Public Internet Terminals*. Culture et Géographie, summer, forthcoming.
- [57] Lindgaard, K. (2002). *Issues in the 'Global Village'*. The Human Oriented Technology Lab, Carleton University. Retrieved, from the World Wide Web: <http://www.carleton.ca/hotlab/hottopics/Articles/DevelopingWorld.html>
- [58] شقایق، مهدی (۱۳۹۰). "وانمودگی نشانه‌ها در واقعیت مجازی". *مجله سوره اندیشه*، ۶۲ و ۶۳: ۱۱۳-۱۱۷.

### زیر نویس‌ها

1. William Gibson
2. Neuromancer
3. Equalization
4. Amplification
5. Transformation
6. ITU
7. Aurigi & Graham
8. typologization
9. Information user
10. Information used
11. Home-teleomatics
12. Technologically intimidated
13. Many-to-many communication
14. Warschauer

- [31] Norris, P. (2001). *Digital Divide? Civic Engagement, Information Poverty and the Internet in Democratic Societies*. Cambridge: Cambridge University Press.
- [32] Enzensberger, Hans. M (1976). *Constituents of a theory of the media. Raids and reconstructions, essays on politics, crime and culture: 20-53*. Translations by M. Roloff et al. London: Pluto.
- [33] Barlow, J. P., Birkets, S., Kelly, K., & Slouka, M. (1995). *What are We Doing On-Line*. Harper's, 291, 35-46.
- [34] Negroponte, N. (1995). *Bit by Bit, PCs are Becoming TVs: Or is it the Other Way Around?* Wired, 178.
- [35] Hammond, A. L. (2001). *Digitally Empowered Development*. Foreign Affairs, 80(2), 96-106.
- [36] Castells, M. (2000). *Materials for an exploratory theory of the network society*. British Journal of Sociology, 51(1), 5-24.
- [37] Mbarika, V., Jensen, M., & Meso, P. (2002). *Cyberspace across Sub-Saharan Africa*. Communication of the ACM, 45(12), 17-21.
- [38] Light, J. (2001). *Rethinking the Digital Divide*. Harvard Educational Review, 71(4): 709-733.
- [39] Castells, M. (2001). *The Internet Galaxy: Reflections on the Internet, Business, and Society*. Oxford: Oxford University Press
- [40] Bucy, E. P. (2000). "Social Access to the Internet". Harvard International Journal of Press Politics, 5(1), 50-61.
- [41] Menou, M. J. (2003). *Towards a social construction of digital inclusion efforts*. Paper presented at the AOIR 4.0 Annual Conference of Association of Internet Researchers, Toronto, Canada.
- [42] Agre, P. E. (2002). *Real-Time Politics: The Internet and the Political Process*. The Information society, 18(3), 311-331.
- [43] Kraut, R., Kiesler, S., Boneva, B., Cummings, J., Helgeson, V., & Crawford, A. (2002). *Internet Paradox Revisited*. Journal of Social Issues, 58: 49-74.
- [44] Kalathil, S., & Boas, T. C. (2003). *Open Networks, Closed Regimes: The Impact of the Internet on Authoritarian Rule*. Washington: Carnegie Endowment for International Peace.
- [45] Selwyn, N. (2002). *'E-stablishing' an inclusive society? Technology, social exclusion and UK government policy making*. Journal of Social Policy, 31: 1-20.
- [46] Haythornthwaite, C., & Hagar, C. (2004). *The Social World(s) of the Web*. Annual Review of Information Science and Technology, forthcoming.
- [47] Warschauer, M. (2003). *Dissecting the "Digital Divide": A Case Study in Egypt*. The Information Society, 19(4), 297-304.
- [48] Stehr, N. (1994). *Knowledge Societies*. London: Sage. The Children's Partnership. (2000). *Online Content for Low-Income and Underserved Americans: The Digital Divide's New Frontier*. Santa Monica, California: The Children's Partnership.
- [49] Ward, K (2000) 'A cyber-ethnographic analysis of the impact of the internet on community, feminism and gendered relations', unpublished PhD thesis, Staffordshire University.
- [50] Portes, A. (1997). *Globalization from Below: The Rise of Transnational Communities*. ERSC Transnational Communities Programme Working Paper No. 1.
- [51] Georgiou, M. (2003). *Mapping Diasporic Media across the EU: Addressing Cultural Exclusion*. London: The European Media and Technology in Everyday Life Network.
- [52] Guarnizo, L. E., Portes, A., & Haller, W. (2003). *Assimilation and Transnationalism: Determinants of Transnational Political Action among Contemporary Migrants*. American Journal of Sociology, 108(6), 1211-1248.